

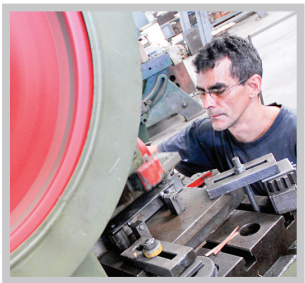
• یادداشت •
 محمدجعفری

دوربرگردان برای دستیابی به سهم درمان تامین اجتماعی؟!

بند ز تبصره ۷ لایحه بودجه ۹۷، ناخواسته نوعی تحرک برای سرپوش گذاشتن روی اشتباهات فاحش وزارت بهداشت در مدیریت طرح تحول سلامت است. امور بهداشت و سلامت، جزء وظایف وزارت بهداشت است. اگر تامین اجتماعی در حق بیمه‌ها، سهم درمان نداشت، وزارت بهداشت باید خدمات بهداشت و سلامت به شهروندان می داد. با این مصوبه، می‌گویند وزارت بهداشت برای تامین هزینه‌های بیمه سلامت همگانی، پول ندارد بنابراین باید به سراغ، سهم درمان کارگران در سازمان تامین اجتماعی رفت. بین بیمه‌شده و بیمه‌گر، یک قرارداد وجود دارد. مردم برای پولی که داده‌اند، سرویس می‌گیرند. پس شخص دیگری مداخلت ندارد. تلاش وزارت بهداشت، برای واریز حق درمان به خزانه دولت، تخطی از حقوق شهروندی است. رئیس‌جمهور حقوق‌دان که منشور حقوق شهروندی را منتشر می‌کند، نباید حاضر شود چنین حقی از بیمه‌شدگان ضایع شود. سهم نهیست‌وهفتم، که دولت تصور می‌کند نقد به خزانه واریز خواهد شد، یک محاسبه اشتباه از سوی دولت است. آیا دولت مطمئن است که تمام کارفرمایان، به‌موقع آن را واریز کرده‌اند که برای آن، چنین برنامه‌ای ریخته است؟ دولت نمی‌داند که سازمان، صدها میلیارد تومان از کارفرمایان طلب دارد؟ دولت نمی‌داند رکود و بیکاری است؟ و حق بیمه‌ها واقعی و به موقع واریز نمی‌شوند؟ دولت هم یکی از پدهکاران بزرگ سازمان تامین اجتماعی است. آیا این یک‌سوم سهم درمان تامین اجتماعی، همه برای درمان است؟ تجهیزات پزشکی، کمک‌هزینه‌کن‌فقدن و کمک‌های کوتاهمدت سازمان، از این محل تامین می‌شود. دولت چگونه به خود اجازه می‌دهد که حق مردم را با روش‌های غیرقانونی بلوکه کند؟ مجلس در موضع قانونگذاری، برای بررسی هر لایحه‌ای باید ابعاد قانون را در نظر بگیرد.

اگر موضوع، شفافیت هزینه‌ها است، پیشنهاد می‌کنم سازمان این مبلغ نهیست‌وهفتم را که سهم درمان تامین اجتماعی است، در حساب جداگانه‌ای داشته باشد و دولت هم به هزینه‌کرد آن، نظارت کند. طبق قانون، بودجه سرانه درمان مردم، با وزارت بهداشت است. زمانی این قانون اجرا شده بود که تامین اجتماعی، آموزش و پرورش و جاهای دیگر، مراکز درمانی نداشتند. حتی اگر تامین اجتماعی از نظر درمان ناکارآمد شود، وزارت بهداشت موظف است افراد تحت پوشش را در مان کند و به سلامت او همچون دیگران، رسیدگی کند. الان آن قانون، همچنان برجاست و بودجه درمان کلیه افراد، به وزارت بهداشت تعلق می‌گیرد. درصورتی که بسیاری از سازمان‌ها و وزارتخانه‌ها – مانند آموزش و پرورش، وزارت نفت، بانک‌ها و...- بیمارستان دارند و جداگانه به درمان افراد خود می‌رسند. سوال من این است که آیا این حق سرانه درمان، میان سازمان‌هایی که خودشان ملزم به ورود به امر درمان شده‌اند، توزیع می‌شود؟ وزارت بهداشت، کل سرانه درمان را دریافت می‌کند و اکنون به سهم درمان تامین اجتماعی، چشم دوخته است. سوال بعدی این است که آیا فقط باید نهیست‌وهفتم تامین اجتماعی قبضه شود؟ یا مثلا وزارت نفت و دیگر سازمان‌هایی هم که بخش درمان اختصاصی خود را دارند، باید این بخش از هزینه‌های خود را به دولت بدهند؟ به نظر می‌رسد این نگاه به تامین اجتماعی، صرفا نشئت گرفته از یک نگاه بخشی باشد تا یک کار کارشناسی و جامع.

رئیس کانون مرکزی کارکنان بازنشسته سازمان تامین اجتماعی



پیام تسلیت مدیر عامل سازمان تامین اجتماعی، برای جان باختگان سقوط هواپیمای تهران- یاسوج

مدیرعامل سازمان تامین اجتماعی، با صدور پیامی ضمن ابراز همدردی، سانحه سقوط هواپیمای تهران- یاسوج و جان باختن جمعی از هموطنان را به خانواده‌های درگذشتگان، به‌ویژه خانواده مهندس مجید اسلامی، رئیس اداره سرمایه‌گذاری معاونت اقتصادی و برنامه‌ریزی سازمان تامین اجتماعی، تسلیت گفت. دکتر سیدتقی نوربخش، در بخشی از پیام خود نوشته است: «متأسفانه در این حادثه تلخ، یکی از بهترین همکاران سازمان تامین اجتماعی، که برای ایفای مسئولیت خود، عازم شهرستان یاسوج بود، برای همیشه چشم از جهان فروبست که بسیار دردناک است.»

۰۶ | کتبی‌نو

تشکل‌ها

نگرانی‌ها را به‌موقع درک کنیم

رکن اصلی اداره سازمان و ضامن ادامه حیات این صندوق بین‌النسلی تلقی می‌شود و از آنجا که تصمیمات کلیدی در باره منابع و مصارف سازمان، محدود به دوران تصدی این یا آن دولت نیست، باید در قالب سه‌جانبه‌گرایی و با توجه به حقوق بیمه‌شدگان و کارفرمایان و در چارچوب سازوکارهای تعریف‌شده، اتخاذ شود. درحالی که مصوبه اخیر واریز بودجه درمان سازمان به خزانه، در منظر فعالان عرصه کار و کارگری رفا‌ه و تامین اجتماعی، از مصادیق تصمیماتی تلقی می‌شود که ممکن است در شرایطی معین (که در تاریخ این سازمان هم بی‌سابقه نیست) راه به مسیرهای هزینه‌ای دیگری ببرد. در این میان، توجه به چند نکته، حائز اهمیت جدی است؛ نخست این که از منظر منتقدان این مصوبه، همراهی فعال و گسترده اما مشروط وزارت رفا‌ه و سازمان تامین اجتماعی با طرح ملی تحول نظام سلامت، به جای آن که در برخی محافل نزدیک به سیاستگذاری حوزه سلامت، قدر دانسته شود و نیز برخی محدودیت‌های قانونی و نیز عینی سازمان برای تامین اعتبارات موردنیاز این طرح موردتوجه قرارگیرد، گویی برعکس، موجب تحریک تقاضاهای تازه و اتخاذ تدابیری شده است که به هر شکل ممکن، جریان انتقال اعتبارات از محل صندوق تامین اجتماعی به شریان‌های طرح تحول، بی‌چون و چرا تداوم پیدا کند. این درحالی است که مطابق مستندات موجود، سازمان تامین اجتماعی و وزارت رفا‌ه، به موازات بحث‌های مربوط به اجرای طرح تحول نظام سلامت، آشکارا خواستار شکل‌گیری و تحقق بسته‌ای جامع از تدابیر مشخص برای نظارت بر هزینه‌های این طرح و تامین منابع پایدار برای آن و کاهش انکای طرح

• یادداشت •
 ابراهیم رستمیانمقدم

تصویب بند «ز» تبصره ۷ لایحه بودجه سال ۱۳۹۷، طی هفته گذشته مورد اعتراضات سراسری فعالان کارگری و نیز نقد و بررسی کارشناسان حوزه‌های رفا‌ه، بیمه‌ها و تامین اجتماعی و حتی بخشی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی قرارگرفته است. براساس این مصوبه که با رای تنها ۱۱۰ نماینده به تصویب رسیده است و باید به تأیید شورای نگهبان قانون اساسی برسد، سهمی از درآمد سازمان تامین اجتماعی که صرف خدمات درمانی بیمه‌شدگان می‌شود باید از این پس، ابتدا به حساب خزانه‌داری کل کشور واریز شود و سپس مطابق نیاز سازمان، تخصیص پیدا کند. اعتراضات به این مصوبه، طیف متنوعی از دیدگاه‌ها را در برمی‌گیرد. از مدافعان دولت‌های یازدهم و دوازدهم گرفته تا برخی منتقدان سنتی آن. وجه مشترک میان آنها اما تمرکز بر اهمیت استقلال منابع تامین اجتماعی، به عنوان سرمایه بیمه‌شدگان و حق الناس بودن آن و تفاوتش با بیت‌المال و بودجه‌ها و اعتبارات دولتی است؛ با تأکید بر این که تنها اختیار تصرف در بیت‌المال، در چارچوب قوانین موضوعه، با دولت است. اما منابع تامین اجتماعی، مطابق ماده یک قانون تامین اجتماعی مصوب ۱۳۵۴ و نیز قانون کلیدی نظام جامع رفا‌ه و تامین اجتماعی مصوب ۱۳۸۳ و همچنین روح موادی از قانون اساسی، ماهیتا متعلق به بیمه‌شدگان و دارای هویتی بین‌النسلی است. بدیهی است نهاد دولت، در کنار بیمه‌شدگان و کارفرمایان، به عنوان یکی از سه

حق بیمه‌ها رانمی‌توان با بودجه درآمیخت!

قانون تامین اجتماعی را مطالعه کرده‌اند و نمی‌دانند این پول از آن مردم است و به درآمدهای دولت، ربطی ندارد؟ برای ما سوال است که چرا بسیاری از صاحب‌نظران این حوزه، در برابر این بی‌عدالتی، سکوت کرده‌اند؟ این طرح، از هیئت دولت به مجلس رفته است و باید از همان ابتدا برای پیشگیری از آن، همه صاحب‌نظران و مسئولان حوزه رفا‌ه و تامین اجتماعی، به میدان می‌آمدند. حالا باید پرسید تکلیف بیمه‌شدگان، کارگران و بازنشستگان، چه خواهد شد؟ کارفرمایان، حق بیمه را برای تامین آینده بیمه‌شدگان می‌پردازند. چون آنها پیری و بازنشستگی و مسائل درمانی دارند. مگر می‌شود که این پول را ببردارند و هیچ دخالتی در آن نداشته باشند؟ همین حالا هم حقوق بازنشستگان، به سختی تدارک و واریز می‌شود. صندوق بازنشستگی، زیر فشار است. در این شرایط، نهاد دولت نه تنها بدهی خود به تامین اجتماعی را نپرداخته است، بلکه گویی در اندیشه یک‌سوم درآمد تامین اجتماعی است! دولت، ۱۴۰ هزار میلیارد تومان به تامین اجتماعی بدهکار است. بند ز از تبصره ۷ لایحه بودجه ۹۷، زمینه‌سازی برای ورد به منابع همه بیمه‌شدگان و خانواده تامین اجتماعی است. در صورت نهایی‌شدن، بیمه‌شدگان برای درمان خود، باید به کجا مراجعه کنند؟ بدانید که این طرح، می‌تواند عامل یک تنش بزرگ اجتماعی باشد.

دبیرکل کانون عالی اتجمن‌های صنفی کارفرمایی

• یادداشت •
 محمدعطار دیان

اموال تامین اجتماعی، حق الناس است و آن را نمی‌توان با بودجه دولت درآمیخت. بند ز تبصره ۷ لایحه بودجه ۹۷، مانند این است که دست در جیب نیروهای مولد کرده و دارایی‌های آنها را به خزانه واریز کنند. این پول، توسط کارفرمایان و کارگران، برای بیمه‌شدگان و تامین هزینه‌های درمان آنها پرداخت شده است و دولت نمی‌تواند همه‌کاره این بودجه شود. اکنون تشکل‌های کارگری و کارفرمایی، به صورت یکپارچه و جدی، در برابر این مصوبه مجلس موضع دارند و درحال تهیه متن‌های کارشناسانه هستند که به امضای فعالان برسد و به شورای نگهبان و سایر مقامات ارسال شود تا حق الناس، به محل درآمدهای دولت واریز نشود. در سال‌های گذشته، شاهد چشم‌دوختن به حق الناس و دارایی‌های تامین اجتماعی بودیم و انتظار می‌رفت که این رویه، در دولت تدبیر و امید متوقف شود اما متأسفانه دولت‌ها عوض شده‌اند درحالی‌که گویی در برخی موارد عملکردشان در باره تسلط بر دارایی تامین اجتماعی، یکی است! اکنون هم می‌خواهند نهیست‌وهفتم را، که تقریبا یک‌سوم درآمد تامین اجتماعی است، به خزانه واریز کنند. برای ما سوال است که آیا جمعی از نمایندگان مجلس،

درخواست کانون بازنشستگان از شورای نگهبان

به کمک برخی از پیگیری‌ها در مجلس، زمینه‌دست‌درازی به اموال بازنشستگان و کارگران را فراهم کرد. اگر این قانون تأیید شود، بعد از این، سازمان تامین اجتماعی برای دریافت هرگونه خدماتی، باید کاسه گدایی جلوی نهاد دولت بگیرد. این مصوبه، نامطلوب‌ترین تصمیم مجلس، برای کارگران و بازنشستگان است. اکنون سازمان تامین اجتماعی، باید ماهانه شش هزار میلیارد تومان درآمد داشته باشد ولی وصول حق بیمه آن، ۴هزار و ۲۰۰ میلیارد است. حقوق بازنشستگان، با سختی تدارک و پرداخت می‌شود. منابع و مصارف تامین اجتماعی، با هم همخوانی ندارند و این ناهمخوانی هم مربوط به قوانین و برنامه‌هایی است که دولت و مجلس، در ادوار

بودجه ۹۷ مبنی بر واریز سهم درمان تامین اجتماعی به خزانه‌داری کل، برخلاف اصول، مواد و بندهای قانونی اشاره شده‌است. از مراجع تقلید فتوا داریم که اموال و حق بیمه کارگران، متعلق به خودشان است. تمرکز وجوه، درآمد‌ها، سرمایه‌گذاری و بهره‌برداری از محل وجوه، باید یکپارچه دیده شود و خلایی در امور جاری این صندوق، ایجاد نشود. مگر می‌شود که در قانون، این بند را بگذاریم که بیمارستان‌ها و اموال آن، درواقع از اموال کارگران است و بعد در بودجه، یک قانون را سوار قانون دیگری کنیم؟ اکنون در بیمارستان‌های تامین اجتماعی، خدمات درمان، رایگان است. این پول، جزء اموال کارگران است و نمی‌توان آن را با یک مصوبه، تصاحب کرد. ما باور داریم که نمی‌توان

• یادداشت •
 علی‌اصغر بیات

بر اساس اصل ۵۳ قانون اساسی، تنها وجوه حاصل از درآمد‌های دولت، به خزانه واریز می‌شود؛ نه درآمد‌های غیردولتی و عمومی. بر اساس بند یک قانون تامین اجتماعی، صندوق تامین اجتماعی، دارای استقلال مالی، استقلال اداری و شخصیت حقوقی است. بر اساس بند ب از ماده ۷۰ برنامه ششم توسعه، حق بیمه درمان تامین اجتماعی، باید طبق قانون تامین اجتماعی محاسبه شود و با حق بیمه‌های دیگر پرداختی از سوی دولت، متفاوت است. بنابراین بند ز تبصره ۷ لایحه



یکشنبه • ۶ اسفند ۱۳۹۶ • شماره صد و چهل‌وسه

A T I Y E H N O



برای تامین منابع طرح‌های اجتماعی، رفا‌هی و عمرانی، درک روشنی دارند، اما در همان حال، هشدار می‌دهند که محدودکردن اختیارات تامین اجتماعی برای مدیریت هزینه‌ها در حوزه درمان بیمه‌شدگان و بازنشستگان، تحت هرنام و عنوانی که باشد، نه فقط موجب نارضایتی بیمه‌شدگان خواهد بود، بلکه دولت مورد تأیید آنها را هم ناخواسته در مظان این اتهام خواهد نشاند که گویا به منابع سازمان، برای حل مشکلات یک طرح ملی (نه فقط طرحی برای بهبود خدمات درمانی بیمه‌شدگان) چشم دوخته است. خروج دولت از چنین مظانی، در گروی توجه دقیق‌تر به جایگاه تامین اجتماعی، ماهیت منابع و سرمایه‌های آن و تلاش عملی برای جلب همراهی شرکای اجتماعی این سازمان و نیز نهادهای صنفی و مدنی فعال در حوزه‌های رفا‌ه و تامین اجتماعی است که نقشی کلیدی در حمایت از دولت برای تحقق برنامه‌های توسعه ملی، داشته و دارند.

مدیر مسئول هفته‌نامه آتینه‌نو